

تحلیل مکانی - فضایی جابه‌جایی و ماندگاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی روستاها در پویش نظام آموزش عالی. مطالعه موردی: مراکز پیام نور شرق گلستان

عبدالحمید نظری^۱، جواد عادل^۲

^۱استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور،

^۲کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی و مدرس دانشگاه پیام نور

تاریخ دریافت: ۹۳/۲/۷؛ تاریخ پذیرش: ۹۳/۷/۲

چکیده

از آنجایی که در مطالعات جغرافیایی، تبیین روابط فضایی - مکانی پدیده‌ها جایگاه خاصی دارد، آگاهی از نقش فاصله محل سکونت در انتخاب محل تحصیل و همچنین وضعیت ماندگاری دانشجویان پس از فارغ‌التحصیلی در روستاها، اهمیت خاصی دارد. نوع تحقیق به لحاظ هدف، کاربردی - توسعه‌ای و به لحاظ روش، توصیفی - تحلیلی از نوع همبستگی است. هدف از تدوین این مقاله «تحلیل فضایی - مکانی محل تحصیل و مهاجرت فارغ‌التحصیلان در نواحی روستایی» است. قلمرو مکانی تحقیق، ناحیه شرقی استان گلستان و قلمرو زمانی آن سال‌های ۹۰-۱۳۷۰ است. جامعه آماری (۲۲۶۵ نفر) را فارغ‌التحصیلان روستایی ناحیه‌ی یادشده تشکیل می‌دهد که حجم نمونه طبق فرمول کوکران، ۲۰۵ نفر برآورد و به صورت تصادفی ساده انتخاب شدند. نتایج نشان داد که: ۱- بین انتخاب محل تحصیل با فاصله‌ی محل سکونت و شدت جریان جابه‌جایی، رابطه‌ی معناداری وجود دارد؛ اما چون مقدار $Sig=0.05 < 0.998$ است، بنابراین بین فاصله و نوع رشته‌ی انتخابی، رابطه‌ی معناداری وجود ندارد. ۲- در صورت تأسیس نشدن مراکز و واحدهای پیام نور، با افزایش فاصله از کانون‌های شهری بر میزان افراد تارک تحصیل افزوده می‌شود. آزمون اسپیرمن این همبستگی را در سطح ۹۹ درصد ($Sig=.000$) معنادار نشان می‌دهد. ۳- شاخص ماندگاری نشان داد که ۵۸ درصد فارغ‌التحصیلان همچنان در نواحی روستایی زندگی می‌کنند. ۴- سنجش میزان دل‌بستگی به «ماندن و بازگشت به روستا» (در صورت وجود شغل مناسب) نشان داد که بالای ۸۰ درصد پاسخ‌گویان تمایل به سکونت در زادگاه خویش دارند.

واژگان کلیدی: تحلیل مکانی - فضایی جابه‌جایی، ماندگاری و مهاجرت، پویش نظام آموزش عالی

مقدمه و بیان مسأله

بدون تردید شناخت و معرفت نسبت به مسایل بشری در سایه‌ی آموزش حاصل می‌شود. بر این اساس نقش آموزش عالی در حل مسایل گوناگون در حوزه‌های مختلف علوم بر کسی پوشیده نیست، زیرا کسب دانش تخصصی- فنی و تأثیر آن در انتخاب نوع فعالیت و مآلاً نقشی که هر یک از شهروندان در جامعه ایفا می‌کنند، بسیار تعیین‌کننده است. در این میان با توجه به رویکردهای «تمرکزگرا» به‌ویژه قبل از انقلاب اسلامی طبیعتاً استقرار بسیاری از دانشگاه‌ها در مراکز شهری بزرگ، فرصت برابری را برای آحاد جامعه فراهم نمی‌ساخت و روستانشینان نسبت به جامعه‌ی شهری فرصت کم‌تری می‌یافتند تا به تحصیلات عالی دسترسی داشته باشند. اما در دهه‌های اخیر با ایجاد چرخش نسبی در راهبردها و رویکردهای (عدالت‌جویانه) اجرایی در برنامه‌های توسعه اقتصادی- اجتماعی کشور، سهم ساکنین نواحی روستایی از آموزش در مقاطع مختلف تحصیلی روند افزایشی داشته است؛ به طوری که در سال‌های اخیر، گسترش واحدها و مراکز دانشگاه پیام نور در اقصی نقاط کشور با توجه به پراکنش و شعاع پوشش فضایی هر مرکز یا واحد دانشگاهی، ۱۲۰ کیلومتر در نظر گرفته شده، کم‌تر جایی از سرزمین پهناور ایران بدون پوشش این دانشگاه باقی مانده است. از این‌رو دانشگاه پیام نور جدای از سیستم آموزشی مخصوص به خود که امکان تحصیل همزمان با اشتغال را فراهم می‌آورد، از نظر امکان دسترسی روستاییان به این مراکز و تحصیل در آن با توجه به شرایط فرهنگی جامعه‌ی روستایی (به‌ویژه برای دختران)، دلبستگی‌های شدید والدین و فرزندان، نقش پررنگ فرزندان در فعالیت‌های کشاورزی، وضعیت نامناسب اقتصادی، توانایی رقابتی کم‌تر در آزمون ورودی کنکور سراسری نسبت به سایر دانشگاه‌های واقع در کانون‌های شهری بزرگ، از امتیاز نسبی برخوردار است.^۱

هرچند دولت با اتخاذ تدابیری توانسته است نسبتاً سهم جامعه‌ی برخوردار روستایی را از آموزش عالی بهبود ببخشد، یکی از مسایل حاد و گریبان‌گیر سکونت‌گاه‌های روستایی کشور، مهاجرت‌های روزافزون روستانشینان است که این مسأله به‌ویژه در میان قشر جوان بیش‌تر است. کلاً ریشه‌ی مهاجرت‌های روستایی در این است که به ارائه‌ی «خدمات» و «تولید» در نواحی روستایی، نگاه

۱- در اینجا توضیح این نکته ضروری است که بر خلاف سیستم آموزشی از راه دور (آموزش مجازی) در جهان توسعه‌یافته که متکی بر بهره‌گیری از تکنولوژی‌های الکترونیکی است و اساساً بعد مکانی اهمیت خود را از دست می‌دهد، در کشورمان به‌دلیل تنگنای زیرساختی به‌ویژه در حوزه‌های روستایی، از دهه‌های گذشته راه میان‌بری انتخاب شده و به جای بهره‌گیری از تکنولوژی‌های ارتباطی، مراکز و واحدهای مجری دانشگاه پیام نور در شهرهای کوچک و اقصی نقاط کشور راه‌اندازی شده است تا امکان دسترسی به آموزش عالی برای همگان به‌ویژه روستاییان فراهم شود. هرچند در سال‌های اخیر، این دانشگاه برای بهره‌گیری از تکنولوژی‌های الکترونیکی، گام‌های خوبی برداشته است، هنوز تا تحقق رسالت واقعی آموزش مجازی فاصله‌ی زیادی دارد. بنابراین تحلیل مکان- فضایی این موضوع اهمیت خاصی دارد که تحقیق حاضر با تأکید به آن انجام گرفته است.

سیستمی نمی‌شود زیرا این دو لازم و ملزوم یکدیگرند و مکانی که در آن دستیابی به درآمدی مکفی حاصل نگردد، خدمات به خودی‌خود ابر خواهد ماند. یکی از انواع مهاجرت‌های روستایی، مهاجرت افراد تحصیل‌کرده یا به عبارتی مهاجرت نخبگان روستایی است. طبیعتاً ارتقای سطح تحصیلی در مقاطع عالی از یک سو سطح توقعات و انتظارات دانش‌آموختگان را افزایش می‌دهد و از سوی دیگر با توجه به نبود فضای کافی اشتغال متناسب با رشته‌ی تحصیلی سبب می‌گردد این قشر تصمیم به مهاجرت از زادگاه خویش به سمت نقاط مطلوب‌تر بگیرند. البته بخشی از مهاجرت‌های افراد تحصیل‌کرده به سمت شهرها - به‌ویژه افرادی که موفق می‌شوند در دستگاه‌های اجرایی و سایر مراکز علمی و بخش‌های آزاد استخدام گردند - اثرات مثبتی در آینده‌ی روستا خواهد داشت، به گونه‌ای که این افراد می‌توانند دامنه‌ی سطح آگاهی‌های روستاییان را به جهت رفت‌وآمدها افزایش دهند و همچنین برگشت سرمایه‌ای به صورت‌های مختلف از جمله سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های اقتصادی، ساخت خانه‌های دوم، کمک به اقتصاد والدین خود و... داشته باشند (طاهرخانی، ۱۳۸۱: ۲۵). اما نباید فراموش کرد که تهی شدن سکونت‌گاه‌های روستایی از قشر تحصیل‌کرده و صاحب دانش در رشته‌های مختلف، بازخورد منفی و جبران‌ناپذیری را در پی خواهد داشت. بنابراین با اتخاذ تدابیری خاص و به کارگیری این جوانان در پست‌های مختلف مسئولیت‌های روستایی می‌توان از ظرفیت‌های آنان به خوبی استفاده کرد (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۸۵: ۲۶۷).

بی‌شک شناخت، تحلیل و ارزیابی ابعاد مختلف مسایل یادشده از منظر برنامه‌ریزی کلان در سطح ملی، اهمیت خاصی دارد و می‌تواند در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ها کمک کند. از این‌رو نویسندگان مقاله‌ی حاضر موضوع تحلیل مکانی- فضایی پیامدهای گسترش دانشگاه پیام نور را برای تحصیل‌کردگان روستایی، وجهه‌ی همت خود قرار داده و در صدد آنند تا به سؤالات اساسی ذیل پاسخ دهند:

- با توجه به پراکنش محل سکونت دانشجویان، فاصله دسترسی به مراکز و واحدهای پیام نور تا چه حد در انتخاب محل تحصیل و رشته‌ی تحصیلی آنان نقش داشته است؟
- تحصیلات عالی تا چه حد در ماندگاری در روستا و یا مهاجرت فارغ‌التحصیلان به شهر نقش داشته است؟

پیشینه تحقیق

فلسفه اساسی بررسی پیشینه‌ی هر تحقیقی آن است که ضمن بهره‌گیری از نتایج تحقیق دیگران در تبیین و تحلیل مسایل مورد بحث، از هرگونه دوباره‌کاری پرهیز شود. با کاوشی که در منابع داخلی صورت گرفت، درباره موضوع و مقاله‌ی حاضر آن هم با رویکرد تحلیلی مکانی-فضایی کم‌تر مطالعه‌ای

انجام شده است و این مقاله در نوع خود از گام‌های نخست به شمار می‌رود. از این‌رو ذیلاً برخی تحقیقات انجام شده درباره‌ی آموزش از راه دور ایران به اجمال معرفی می‌شود:

ضرغام (۱۳۷۱) با مقایسه‌ی نظام آموزش از راه دور با نظام آموزش عالی سنتی به این نتایج دست یافته است که آموزش از راه دور به دلیل بهره‌گیری از سیستم‌های مخابراتی، پوشش جغرافیایی وسیعی را در سطح سرزمین ایجاد کرده و امکان تحصیل افراد ساکن نقاط دور دست را فراهم ساخته است؛ به علاوه امکان ادامه‌ی تحصیل همزمان با اشتغال به کار، سبب صرفه‌جویی بیش‌تر نسبت به سیستم‌های سنتی شده است. همچنین به لحاظ مقررات آموزشی، انعطاف‌پذیرتر از سیستم سنتی بوده است.

هارولد. ام. ویلیامز (۱۳۸۱) با بررسی کالج‌های آموزش عالی در آمریکا به این نتیجه می‌رسد که ۸۷ درصد مردم بر این باورند که افزایش هزینه سبب می‌شود که اغلب مردم نتوانند به کالج دسترسی داشته باشند. بدون پیشرفت اساسی در کیفیت و محتوای آموزش عالی، کالج‌های سنتی ناپدید خواهند شد و جای خود را به یادگیری از راه دور و فناوری رایانه‌ای خواهند داد. دنیس چیچر تیزیس (۱۳۸۱) در مقاله‌ای با عنوان «آموزش و پژوهش: نقش و ابزار جدید» به این نتیجه می‌رسد که شرکت‌کنندگان در کلاس‌های خدمات یادگیری از راه دور، با پرداخت پول مشکلی ندارند، اما خواهان خدماتی هستند که کیفیت بالایی داشته باشد. همچنین آن‌ها به دروسی نیاز دارند که جدید، اختصاصی و متناسب با نیازهایشان باشد.

فراستخواه و همکارانش (۱۳۸۳) درباره‌ی بررسی افزایش دسترسی به آموزش عالی به این نتیجه رسیده‌اند که پروژه‌ی آموزش از راه دور در ایران هر چند از برخی جهات در سال‌های پس از انقلاب، روند رو به رشدی داشته است، هنوز نتوانسته است خود را با استانداردهای نسل سوم و نوین «یادگیری از راه دور» در محیط جهانی تطبیق دهد و از نظر برخی شاخص‌ها مانند نسبت دانشجو به هیأت علمی، هرم هیأت علمی و توازن توسعه گروه‌های عمده‌ی تحصیلی مشکلاتی دارد. فراستخواه (۱۳۸۹) در مقاله‌ای دیگر برای دست‌یابی به الگوی مفهومی برای تعامل نظام آموزشی و دانشگاه‌ها با سایر نظام‌های تولید و خدمات به این نتیجه رسید که الگوی تلفیقی مطلوب با رویکرد سازه‌گرایی مشارکتی است و آن را در قالب ۲۶ اصل راهنما و دو حد نهایی در سطوح کلان و خرد ارائه کرده است.

عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیلی بر چالش‌های پیش روی نظام آموزشی برنامه‌ریزی روستایی در ایران» به این نتیجه می‌رسد که برای هموار ساختن مسیر تحقیق، فرایند نظام آموزشی برنامه‌ریزی روستایی به‌ویژه محصول و خروجی آن (دانش‌آموختگان و دانشگاه‌ها) پیشاپیش تعیین استراتژی کلان آموزش کشور در این رشته با داشتن نگرش سامانمند و رهیافت آمایشی مورد نیاز است تا بدین‌وسیله بتوان مناطق، سکونت‌گاه‌ها و نهادهای مرتبط را برای هموارسازی این مسیر و برطرف ساختن مشکلات و موانع هر چه شفاف‌تر تعیین کرد.

مفاهیم، دیدگاه‌ها و مبانی نظری تحقیق

کسب دانش، یکی از نیازهای اساسی بشری است. هر چند این نیاز در اولویت‌بندی‌ها و در قیاس با نیازهای حیاتی در درجه‌ی دوم اهمیت قرار می‌گیرد، برخی معتقدند که زمینه اصلی پیشرفت و توسعه‌ی هر جامعه‌ای در گرو تأمین کسب دانش و آگاهی است. زیرا شالوده آن بر قوه تعقل انسان بنا شده است که خود موهبتی الهی و از وجوه متمایز انسان نسبت به سایر موجودات است. بی‌تردید جدا از نقش بنیادین سطوح مختلف مدارس در شکوفایی این قوه متناسب با رسالت‌شان در زمینه‌ی دانش عمومی جامعه، نقش دانشگاه‌ها در ارتقای آن در سطوح عالی و تکمیلی بر کسی پوشیده نیست. به‌ویژه این مهم از منظر کسب دانش تخصصی - فنی و تأثیر آن در انتخاب نوع فعالیت و مآلاً نقشی که هر یک از شهروندان در جامعه ایفا می‌کنند، بسیار تعیین‌کننده است. در این میان طبیعتاً استقرار بسیاری از دانشگاه‌ها در کانون‌های شهری بزرگ در گذشته به‌دلایل مختلف فرصت برابری را برای آحاد جامعه فراهم نمی‌ساخت و روستائینان نسبت به جامعه‌ی شهری فرصت کم‌تری می‌یافتند تا به تحصیلات عالی دسترسی داشته باشند.

بر این اساس در چند دهه‌ی اخیر، از جمله رویکردهایی که آموزش عمومی را یک ضرورت و شالوده توسعه جامعه روستایی قلمداد کرده و بر آن اصرار می‌ورزد، «رویکرد توسعه‌ی اجتماعی» و «رویکرد نیازهای اساسی» است. تحقق اهداف کلان توسعه مستلزم تعمیم آن به سطوح عالی آموزشی نیز است که به‌طور فراگیر تمام سطوح جامعه، اعم از روستایی و شهری را پوشش می‌دهد. بنابراین بررسی آموزش عالی و کارکرد دانشگاه‌ها در دهه‌های اخیر، تحولات مفهومی تأمل‌برانگیزی را در چند زمینه‌ی زیر نشان می‌دهد که از آن با عنوان «پویای نظام نوین آموزش عالی» یاد می‌شود:

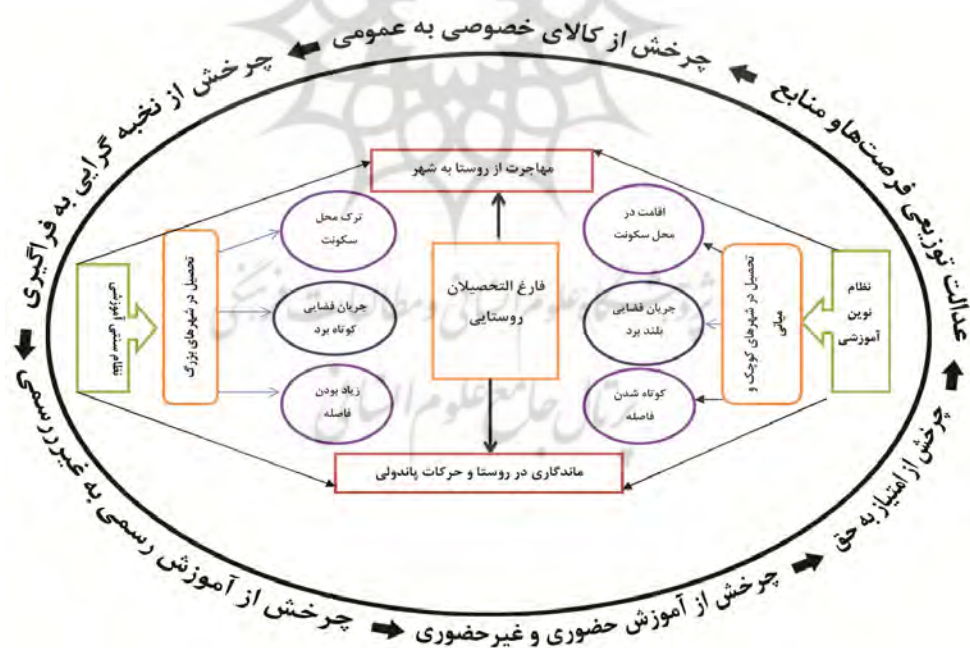
- **چرخش از امتیاز به حق:** در ساختارهای اجتماعی سنتی، طی مدارج بالای تحصیلی غالباً امتیازی به خواص تلقی می‌شد، اما تفکرات مدرن نه تنها آموزش عمومی بلکه آموزش عالی را نیز به یک «حق عمومی» تبدیل کرده است، به گونه‌ای که امروزه حق دانستن، یکی از برجسته‌ترین مشخصه‌های جامعه‌ی یادگیرنده است (Brown, 2002: 25).

- **عدالت توزیعی:** بر مبنای تفکرات جدید، فرصت‌های نابرابر آموزش عالی از مهم‌ترین عوامل تثبیت و تراکم و بازدید نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی است. از این‌رو بر لزوم سیاست‌گذاری‌ها و تعامل میان دولت و جامعه برای توزیع مجدد فرصت‌ها و تخصیص مجدد منابع به نفع افراد و قشرها و گروه‌های آسیب‌پذیر جامعه جهت استفاده از فرصت‌های برابر آموزش عالی تأکید می‌شود (فراستخواه، ۱۳۸۱: ۳-).

- **چرخش از کالای خصوصی به عمومی:** بر مبنای رویکرد توسعه‌ی اجتماعی، «آموزش عالی» کالایی عمومی تلقی می‌شود و مثل امنیت باید به صورت عمومی همگان از آن بهره‌برداری کنند. بنابراین این رویکرد با تجاری شدن آموزش عالی مخالف است (جیمز، ۱۳۸۱: ۱۴۴-۱۶۱).
- **چرخش از نخبه‌گرایی به فراگیری:** دانشگاه در مفهوم سنتی خود با نخبه‌گرایی همراه بود، اما امروزه علاقه به آموزش عالی از خرده‌گرایش‌های طبقات برگزیده و خواص و حتی طبقه‌ی متوسط اجتماعی فراتر رفته و به تقاضایی فراگیر و همگانی تبدیل شده است (Scott, 1995: 25-29).
- **چرخش مخاطب‌ها:** در گذشته مخاطبین آموزش عالی منحصر به گروه سنی ۱۸-۲۴ ساله‌ها بود، اما امروزه طرح ایده‌ی «یادگیری در سراسر طول زندگی» مخاطبین آن را به سمت بزرگسالان سوق داده است (Schuetze & slowey, 2000: 18-19).
- **انعطاف‌پذیری و چرخش از آموزش عالی رسمی به غیر رسمی:** با فرآیند جهانی شدن و پایه‌پای ظهور اقتصاد دانش‌بنیان، مسیر خطی دانش از دانشگاه به صنعت تحول یافت. ارتباطات و فناوری اطلاعات، انحصار سنتی دانشگاه‌ها را شکست و آموزش عالی به بازاری تبدیل شد که در آن بنگاه‌ها و شرکت‌های محلی، ملی و چندملیتی در مقیاس گسترده مشارکت دارند و این روندها، زمینه‌ی توسعه‌ی آموزش‌های «غیر رسمی» را در کنار آموزش «رسمی» فراهم ساخته است (Ibid: 22).
- **چرخش از آموزش حضوری به غیر حضوری:** گسترش فناوری‌های ارتباطات و اطلاعات (ICT)، آموزش عالی را از لزوم حضوری بودن رها ساخت و آموزش «از راه دور» با استفاده از قابلیت‌های نظام چندرسانه‌ای سنتی مانند (مکاتبه، کتب خودآموز، آزمون‌های خودسنجی، رادیو، تلویزیون و نوارهای صوتی و تصویری) و نوین، به گونه‌ای که علاوه بر تعامل گسترده بین دانشگاه‌ها و پایگاه‌های اطلاعاتی، امکان تعامل میان کنش‌گران تولید و انتقال و مبادله و توزیع دانش مابین استادان و دانشجویان توسعه‌ی شگرفی یابد، تا حدی که ارتباطات آموزش عالی به صورت برخط^۱ حتی از درون خانه‌ها به صورت دوطرفه با دانشگاه‌ها، کتابخانه‌ها و... امکان‌پذیر شده است (Venugopal, etal, 2002: 175-177). بدین ترتیب با وجود چنین روندی در تحولات مکانیسم آموزش عالی از یک سو و بسترسازی‌های صورت‌گرفته در زمینه‌ی توسعه زیرساخت‌های مخابراتی در نواحی محروم و دورافتاده‌ی روستایی از سوی دیگر، امکان برخورداری جوامع ساکن در آن‌ها برای اقشار مختلف فراهم شده است.
- **چرخش از هزینه به سرمایه:** قرابت آموزش عالی با سرمشق توسعه‌ی اجتماعی، آن را از چیزی به مثابه‌ی هزینه به چیزی به مثابه‌ی سرمایه بدل ساخت. زیرا در دنیای رقابتی که کمبود منابع و فشرده‌گی تعارض‌ها بر سر نحوه‌ی تخصیص منابع به شدت خود را نشان می‌دهد، دانش و آموزش نیز

مشمول قانون «هزینه - اثربخشی» شده است و ناگزیر است پاسخ‌گوی سفارش‌های بازار و تابع اصول «بازارسنجی» شود و برای بقای خود بر اساس قواعد عرضه و تقاضا عمل کند. در نتیجه پیدایش روندهای بازاری شدن، تجاری شدن و پولی شدن نظام، نقش آن را بر هم زده است (هیگس، ۱۳۸۰، ۱۱۹-۱۰۲).

بدین ترتیب پیامدهای بارز چنین پویایی را می‌توان در پخشایش مراکز و مؤسسات دانشگاهی در پهنه‌های جغرافیایی مشاهده کرد. پخشایشی که ضمن کاستن از حوزه نفوذ این‌گونه مراکز حتی به تداخل قلمرو آن‌ها و در نتیجه به پوشش کامل سرزمین ملی انجامیده و امکان دسترسی آحاد جامعه را (از جمله روستاییان) فراهم ساخته است. این فرآیند به نوبه خود سیستم‌های سنتی جریان‌های فضایی- مکانی «بلند برد» دانشجویی را که غالباً با مهاجرت‌های طولانی‌مدت و اقامت‌های دایم در شهرهای بزرگ همراه بود، به جریان‌های فضایی- مکانی «کوتاه برد» تبدیل کرده است که به صورت پدیده‌ی «جریان پاندولی» میان سکونت‌گاه‌های روستایی و شهرهای کوچک و میانی تجلی می‌یابد. بدین ترتیب چرخش‌های مربوط به حوزه‌ی سیاست‌گذاری کلان آموزشی ضمن بازساخت فضاهای نوین جغرافیایی و تحکیم پیوند میان دورافتاده‌ترین کانون‌های زیستی با سطوح مختلف شبکه‌ی شهری، به تقویت یکپارچگی فضایی سرزمین می‌انجامد (شکل ۱).



شکل ۱- مدل مفهومی تحقیق: پویای نظام آموزشی و ابعاد مکانی-فضایی آن

هر چند پویش اخیر نسبتاً توانسته است نابرابری‌های فضایی آموزشی را در نواحی روستایی تعدیل کند، به نظر می‌رسد مسأله‌ی مهاجرت‌های روستایی کماکان چالشی اساسی فراروی سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان آمایش باشد. ردیابی نظریات مهاجرتی در تبیین اثرات فضایی- مکانی مهاجرت‌های روستایی، حاکی از وجود رویکردهای مختلفی است که گاه مکمل و گاهی متباین هم هستند. از نگرش‌های سنتی افرادی چون راونشتاین (۱۸۸۵) که با طرح مقوله‌ی «فاصله و مهاجرت» در صدد تبیین قانون‌مندی بحث برآمد، تا فرمول‌بندی مهاجرتی زیپف (۱۹۴۶) که متأثر از قوانین جاذبه نیوتنی آن را بسط داد، و از رویکردهای «اقتصاد دوگانه» لوییس (۱۹۵۴) که به تبیین تقابل دویخشی (سنتی/ مدرن) پرداخت، تا رویکردهای «دفع و جذب» افرادی چون لوری-راجزو استرلین (Easterlin, 1987: 388)، همگی تلاش‌هایی هستند که ادبیات مهاجرت روستایی را غنا بخشیدند. اما در نگرش‌های نوین که عموماً به تبیین ضد جریان قبلی و مهاجرت‌های بازگشتی می‌پردازند، تفسیرهای دیگری از ابعاد مکانی- فضایی تحرکات جمعیتی به عمل می‌آید. تعبیر مفهومی پارنول از «حرکات کوتاه‌مدت»^۱ و «چرخه جابه‌جایی»^۲ (Parnwell, 1993: b-14) و یا برداشت‌های وانگ از طرح مفهوم افراد «بازگشت موفق»^۳ و «بازگشت ناموفق»^۴ (Wang, 2004: 2-4)، ایده‌های نوینی هستند که تفسیرهای متفاوت‌تری را نسبت به جریانات فضایی- مکانی روستاییان ارائه می‌کند؛ به گونه‌ای که بر مبنای دیدگاه نئوکلاسیک در مقیاس خرد مهاجران بر اساس قاعده‌ی هزینه- فایده، تصمیم به مهاجرت می‌گیرند و از مناطقی که بازدهی آن پایین است به نواحی مراجعه می‌کنند که بازدهی بالاتری دارد (De Haun, 2008: 4-7).

بدین‌سان جریان معکوسی از سرمایه، دانش، ایده‌ها و روش‌ها می‌تواند در توسعه‌ی ناحیه‌ی مهاجرفرست مؤثر باشد (Ibid: 8). این روند در ادامه به صورت مهاجرت‌های بازگشتی ظهور می‌یابد؛ مهاجرتی که به دلایل مختلف از مراکز شهری بزرگ به سوی شهرهای کوچک و مناطق روستایی اتفاق می‌افتد (Bosworth, 2006: 2). بر این مبنای شاید بتوان نقش مؤسسات آموزش عالی و دانشگاه‌ها را در گسیل آن دسته از روستاییانی که اندک‌زمانی پیش جلای وطن نموده و راهی شهر شده‌اند و اکنون با کسب تخصص‌های لازم به موطن اصلی خود باز می‌گردند و یا گروه دیگری از آنان که بدون ترک دائمی روستا به شکل جریانات پاندولی، فاصله‌ی میان شهر و روستا را در می‌نوردند، به گونه‌ای دیگر تبیین کرد.

-
- 1- Short-term movement
 - 2- Circular migration
 - 3- Successful returnees
 - 4- Failure returnees

روش تحقیق

تحقیق حاضر از نظر هدف‌گذاری جزء تحقیقات کاربری - توسعه‌ای به حساب آمده و از منظر شیوه انجام در زمره‌ی تحقیقات توصیفی - تحلیلی از نوع همبستگی جای می‌گیرد. شالوده‌ی گردآوری داده‌ها بر عملیات پیمایشی پایه‌ریزی شده و در عین حال تبیین مبانی نظری آن با بهره‌گیری از شیوه‌های کتابخانه‌ای انجام گرفت. به‌علاوه برای تحلیل داده‌ها نیز از نرم‌افزار Spss استفاده شد. برای حصول اطمینان از روایی و پایایی ابزار سنجش (پرسش‌نامه) از نظر اساتید (مدرسين روش تحقیق) و ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. بر این اساس ابتدا سی پرسش‌نامه برای پیش‌آزمون از جامعه‌ی هدف تکمیل شد و ضریب پایایی آن برابر ۷۸ درصد به‌دست آمد که نتیجه‌ای پذیرفتنی است. اهم متغیرهای مورد سنجش در این پژوهش عبارتند از: ۱- فاصله‌ی محل سکونت با محل تحصیل؛ ۲- نقش دانشگاه پیام نور در ادامه تحصیل روستاییان؛ ۳- علت انتخاب دانشگاه پیام نور برای ادامه تحصیل؛ ۴- شیوه تردد به دانشگاه محل تحصیل؛ ۵- وضعیت رفت و آمد به روستای زادگاه؛ ۶- وضعیت مهاجرت یا ماندگاری در روستا پس از فارغ‌التحصیلی و ۷- میزان دلبستگی به روستا و...

محدوده و قلمرو پژوهش

جامعه آماری این تحقیق شامل تمامی دانش‌آموختگانی است که هنگام تحصیل در نقاط روستایی ساکن بوده و در مراکز و واحدهای مستقر در ناحیه‌ی شرق استان گلستان تحصیل کرده‌اند. در واقع قلمرو مکانی این پژوهش هرچند کل استان گلستان را پوشش می‌دهد، سهم شهرستان‌های رامیان، آزادشهر، گنبدکاووس، مینودشت، گالیکش، کلاله و مراوه‌تپه بیش‌تر است. قلمرو زمانی آن نیز دوره‌ی بیست ساله ۹۰-۱۳۷۰ است. بنا بر اطلاعات آرشیوی که از مراکز و واحدهای مستقر در ناحیه‌ی مورد مطالعه به دست آمد، طی دوره‌ی یادشده، کلاً ۴۶۰۵ نفر در مقطع کارشناسی فارغ‌التحصیل شده‌اند. اما با توجه به نبود آمار دانش‌آموختگان به تفکیک نقاط شهری و روستایی، تعداد صد پرونده‌ی دانشجویی به صورت تصادفی انتخاب و محل سکونت آن‌ها مشخص شد که در نتیجه ۴۹ درصد آن‌ها ساکن نقاط روستایی بودند. بدین ترتیب حجم کل جامعه‌ی آماری ۲۲۶۵ نفر در نظر گرفته شد. در نهایت با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۲۰۵ نفر به عنوان حجم نمونه تعیین شد. شیوه‌ی انتخاب افراد نمونه نیز این‌گونه بود که ابتدا سهم فارغ‌التحصیلان مراکز و واحدهای مجری (گنبدکاووس، گالیکش و

کلاله^۱) تعیین و سپس متناسب با سهم فارغ‌التحصیلان رشته‌های تحصیلی مختلف، تعداد افراد نمونه به تفکیک هر رشته تعیین و در نهایت به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند.

بحث اصلی

شالوده‌ی اصلی داده‌های این قسمت حاصل عملیات پیمایشی است که به تفکیک در دو بخش کلی: بررسی و تحلیل ابعاد مکانی- فضایی و بررسی مهاجرت و ماندگاری فارغ‌التحصیلان ارائه می‌شود.

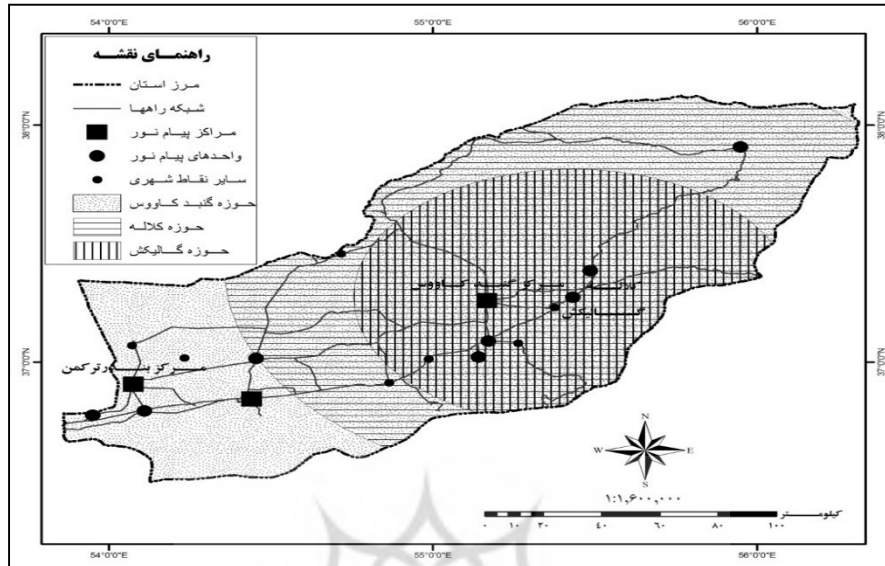
بررسی و تحلیل ابعاد مکانی - فضایی

بررسی رابطه میان فاصله‌ی محل سکونت با انتخاب محل تحصیل

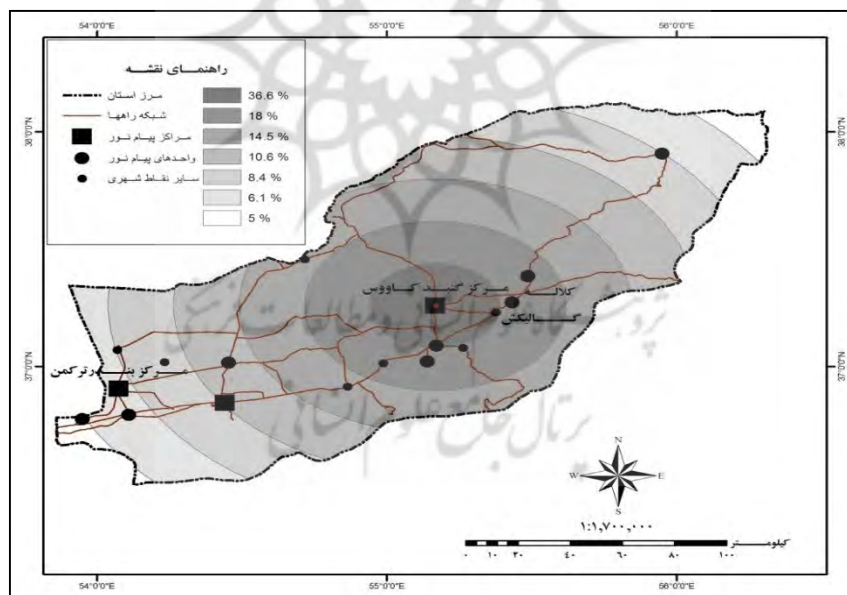
از آنجایی که در مطالعات جغرافیایی، تبیین روابط فضایی- مکانی پدیده‌ها جایگاه خاصی دارد، آگاهی از نقش فاصله‌ی محل سکونت و محل کار در انتخاب محل تحصیل و نوع رشته تحصیلی و علل انتخاب آن اهمیت خاصی دارد. به‌طور کلی مقایسه‌ی سهم محل سکونت فارغ‌التحصیلان با محل تحصیل‌شان در منطقه‌ی مورد مطالعه، حاکی از ارتباط مستقیم میان این دو مؤلفه است؛ به گونه‌ای که حدود ۳۵/۶ درصد آن‌ها در فاصله‌ی کم‌تر از ۲۰ کیلومتر از محل تحصیل سکونت داشته‌اند و به ترتیب در طبقات بعدی به موازات افزایش فاصله دسترسی، سهم آن‌ها روند کاهشی دارد. در حالی که با نگاهی تفصیلی به شاخص مذکور بین مراکز و واحدهای دانشگاهی، شاهد تفاوت‌های محسوسی هستیم، به گونه‌ای که مرکز گنبدکاووس با بیش از ۱۲۰ کیلومتر پوشش جغرافیایی، بیش‌ترین ضریب نفوذ را داشته و واحد گالیکش با حداکثر ۶۰ کیلومتر، کم‌ترین حوزه‌ی نفوذ را در بر می‌گیرد. دسترسی به واحد کلاله نیز حالت بینابینی دارد (جدول ۱ و شکل‌های ۲ و ۳).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱- سایر واحدها به هنگام مطالعه، فارغ‌التحصیل نداشتند.



شکل ۲- مقایسه حوزه نفوذ مراکز و واحدهای پیام نور شرق استان گلستان



شکل ۳- مقایسه رابطه فاصله و شدت جریان جابه‌جایی دانشجویان در مرکز گنبدکاووس

دلیل این تفاوت را باید در تفاوت سابقه‌ی تأسیس مرکز گنبدکاوس نسبت به دو واحد دیگر جستجو کرد. زیرا این مرکز به دلیل قدمت طولانی و تعدد و تنوع رشته‌های تحصیلی و در عین حال به لحاظ قرار گرفتن در رتبه‌ی بالاتر نظام شبکه‌ی شهری استان، پوشش جغرافیایی بیش‌تری دارد. با توجه به این‌که بیش‌ترین سهم جامعه‌ی آماری مربوط به مرکز گنبد است، از این‌رو بی‌نظمی شاخص‌های مربوط به واحدهای کلاله و گالیکش را تحت شعاع خود قرار می‌دهد.

جدول ۱- توزیع محل سکونت جامعه آماری از محل تحصیل به تفکیک مراکز و واحدهای آموزشی در شرق استان^۱.

جمع کل		واحد کلاله		واحد گالیکش		مرکز گنبد		طبقه‌بندی فاصله‌ی محل سکونت از محل تحصیل (کیلومتر)
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۳۵/۶	۷۳	۲۶/۴	۵	۲۸/۶	۲	۳۶/۹	۶۶	کم‌تر از ۲۰
۱۹	۳۹	۱۰/۵	۲	۵۷/۱	۴	۱۸/۵	۳۳	۲۱-۴۰
۱۶/۶	۳۴	۳۶/۸	۷	۱۴/۳	۱	۱۴/۵	۲۶	۴۱-۶۰
۱۰/۷	۲۲	۱۵/۸	۳	-	-	۱۰/۶	۱۹	۶۱-۸۰
۸/۳	۱۷	۱۰/۵	۲	-	-	۸/۴	۱۵	۸۱-۱۰۰
۵/۴	۱۱	-	-	-	-	۶/۱	۱۱	۱۰۱-۱۲۰
۴/۸	۹	-	-	-	-	۵	۹	بیش از ۱۲۰
۱۰۰	۲۰۵	۱۰۰	۱۹	۱۰۰	۷	۱۰۰	۱۷۹	جمع

(مأخذ: مطالعات میدانی، ۱۳۹۱)

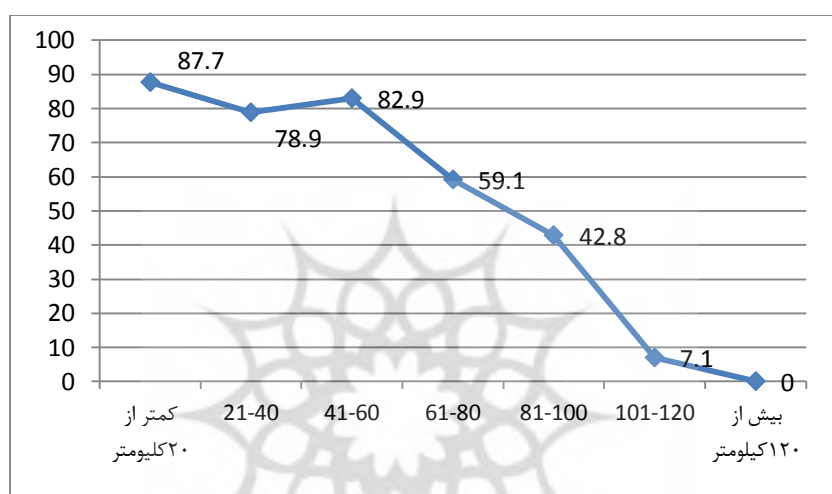
بدون تردید یکی از عوامل دخیل در ادامه تحصیل روستاییان پس از مقطع متوسطه، امکان دسترسی به مراکز آموزش عالی است. بدین منظور در اینجا سؤال دیگری از جامعه‌ی آماری پرسیده شد مبنی بر این‌که فاصله‌ی دسترسی به مراکز و واحدهای پیام نور تا چه حد در ترغیب آن‌ها به ادامه تحصیل در این دانشگاه مؤثر بوده است. نتایج به‌دست‌آمده، همبستگی معناداری را نشان می‌دهد زیرا خروجی آزمون اسپیرمن هم به خوبی مؤید آن است، به طوری که ضریب همبستگی آزمون مذکور برابر (**۰۴۰۵) و با سطح معناداری ۹۹ درصد تأیید می‌شود (شکل ۴ و جدول ۲).

۱- سابقه تأسیس مرکز گنبدکاوس به سال‌های قبل از انقلاب و دو واحد دیگر به سال ۱۳۸۴ بر می‌گردد.

جدول ۲- سنجش همبستگی میان فاصله و ادامه تحصیل در واحدهای پیام نور با استفاده از آزمون اسپیرمن

آماره	فاصله	امکان ادامه تحصیل
ضریب همبستگی	۱,۰۰۰	.۴۰۵ **
سطح معناداری (Sig)	.	.۰۰۰
تعداد	۲۰۵	۲۰۵

(مأخذ: مطالعات میدانی، ۱۳۹۱) ** معناداری در حد ۹۹ درصد



شکل ۴- نقش فاصله در ادامه تحصیل روستاییان در مراکز و واحدهای پیام نور

(مأخذ: مطالعات میدانی، ۱۳۹۱)

یکی دیگر از مباحث مهم در تحقیق حاضر آن است که رشته‌های دایر شده در دانشگاه پیام نور تا چه حد با نیازهای جامعه روستایی سنخیت دارد و آیا بین فاصله از محل سکونت و نوع رشته‌ی تحصیلی رابطه معناداری وجود دارد؟ بر اساس یافته‌های میدانی در ناحیه‌ی مورد مطالعه، جمعاً ۳۷ رشته‌ی تحصیلی دایر بوده است که تا سال ۱۳۹۰ در نوزده رشته فارغ‌التحصیل داشته‌اند. با توجه به تفاوت در قدمت راه‌اندازی مراکز و واحدهای مورد مطالعه، توزیع رشته‌ها تفاوت زیادی را نشان می‌دهد؛ به گونه‌ای که مرکز گنبدکاووس در هفده رشته و واحدهای کلاله و گالیکش هر یک در دو رشته، فارغ‌التحصیل داشته‌اند. هرچند ارزیابی‌های انجام‌گرفته نشان داد که نوع رشته‌های تحصیلی با نیازها و علایق جامعه‌ی روستایی چندان همبستگی نداشته و جامعه‌ی مورد نظر صرفاً به دلیل دایر بودن این رشته‌ها و سیستم آموزشی خاص پیام نور و سهولت دسترسی، ناگزیر به انتخاب آن‌ها شده‌اند، بررسی رابطه‌ی فاصله‌ی محل سکونت با نوع رشته‌های انتخابی حاکی از آن است که صرف نظر از

موضوع جنسیت، فاصله از محل سکونت چندان تأثیری در انتخاب رشته‌ی تحصیلی نداشته است؛ به طوری که تنها ۳۸/۱ درصد فارغ‌التحصیلان، گزینه‌ی متوسط به بالا را مبنی بر تأثیرگذاری فاصله در انتخاب نوع رشته‌ی تحصیلی قید کرده‌اند. مقایسه‌ی فارغ‌التحصیلان مرد و زن بیانگر آن است که میزان تأثیر این مؤلفه در میان زنان با اندکی افزایش (یک درصد) بیش‌تر از دانش‌آموختگان مرد است. نتایج آزمون اسپیرمن هم نتایج بالا را تأیید می‌کند؛ زیرا مقدار (Sig=0.05<.998) و ضریب همبستگی حاصله، برابر صفر است. بنابراین بین انتخاب مراکز یا واحد دانشگاهی با فاصله از محل سکونت، رابطه‌ی معناداری وجود ندارد.

جدول ۳- سنجش رابطه میان محل سکونت با انتخاب واحد دانشگاهی با استفاده از آزمون اسپیرمن

متغیر	آماره	نتیجه
فاصله از محل سکونت	ضریب همبستگی	۰/۰۰۰
انتخاب واحد دانشگاهی	سطح معناداری	۰/۹۹۸ ns
	تعداد	۲۰۳

مأخذ: مطالعات میدانی، ۱۳۹۱؛ ns: عدم معناداری

برای شناخت دقیق‌تر مسأله، در سؤالی نظر فارغ‌التحصیلان درباره علت انتخاب دانشگاه پیام نور برای ادامه تحصیل پرسیده شد. بدین ترتیب عوامل مورد نظر به دو دسته عوامل مرتبط با فاصله و غیر مرتبط دسته‌بندی شدند. کلاً ۶۵/۳ درصد پاسخ‌گویان به عواملی اشاره کرده‌اند که با فاصله ارتباطی نداشته است. نکته‌ی در خور توجه این‌که حدود دو سوم آن‌ها صرفاً به دلیل مجاز شدن انتخاب رشته‌ی تحصیلی اجباراً دانشگاه پیام نور را برای تحصیل خود انتخاب کرده‌اند. یعنی دانش‌آموزان ساکن روستاها به دلایل مختلف از جمله ضعف سطح کیفیت آموزش در مدارس روستایی، اشتغال به کار در هنگام تحصیل (کمک به خانواده)، دسترسی نداشتن به مؤسسات آموزشی آماده‌سازی برای کنکور و وجود فرهنگ رقابتی کم‌تر نسبت به دانش‌آموزان شهری نمی‌توانند با ساکنان شهری در سطح منطقه رقابت کنند. در میان عوامل مرتبط با فاصله نیز نزدیکی به محل سکونت و سهولت دسترسی، نقش بیش‌تری نسبت به سایر عوامل داشته است (جدول ۴).

جدول ۴- بررسی علت انتخاب دانشگاه پیام نور برای تحصیل

درصد	تعداد	متغیر	سنجه
۳۴/۷	۷۱	نزدیکی به محل سکونت = (۲۴/۸ درصد)	عوامل مرتبط با فاصله
		اشتغال همزمان با تحصیل = (۵/۹ درصد)	
		اجازه ندادن والدین به انتخاب شهرهای دیگر = (۳/۹ درصد)	
۶۵/۳	۱۳۴	بالا بودن شهریه‌ی سایر دانشگاه‌ها = (۲/۹ درصد)	عوامل غیر مرتبط با فاصله
		بی‌دقتی در انتخاب رشته = (یک درصد)	
		مجاز بودن به انتخاب رشته و تحصیل صرفاً در دانشگاه پیام نور = (۶۱/۴ درصد)	

(مأخذ: مطالعات میدانی، ۱۳۹۱).

بررسی مکانیسم جابه‌جایی

غیر از بحث انتخاب محل تحصیل، بررسی مقوله‌ی ادامه و یا انصراف از تحصیل نیز از منظر تحلیل مکانی - فضایی مهم است. زیرا بسیاری از روستاییان به دلایل مختلف از جمله کمبود وسایل نقلیه‌ی شخصی و عمومی، بالا بودن هزینه حمل و نقل عمومی (به‌ویژه تاکسی تلفنی) بالا بودن اجاره منازل در شهر و غیره با مشکلات زیادی مواجه بوده‌اند، به گونه‌ای که برخی نمی‌توانند مخارج تحصیل را تأمین کنند و در نتیجه به ترک تحصیل روی می‌آورند. از این رو لازم است مکانیسم شیوه‌ی دسترسی و جابه‌جایی دانشجویان بررسی شود.

الف) بررسی شیوه‌ی دسترسی روزانه به محل تحصیل

این بررسی نشان داد که به طور کلی هشتاد درصد دانشجویان (مرد-زن) به صورت روزانه فاصله‌ی محل سکونت تا دانشگاه را تردد می‌کرده‌اند. طبیعتاً در روستاهایی که فاصله‌ی نزدیک‌تری نسبت به محل تحصیل دارند، این وضعیت حاکم است. به عبارت دیگر دانشگاه پیام نور به خوبی توانسته است بدون دغدغه‌ی والدین، امکان دسترسی به آموزش عالی را برای جامعه‌ی روستایی فراهم سازد. در حالی که ۱۰/۳ درصد دانشجویانی که در فاصله‌ی دورتری زندگی می‌کردند، با اجاره‌ی منزل یا اتاق در شهر و ۲/۹ درصد به صورت سکونت نزد اقوام، دوران تحصیل را گذرانده‌اند. نکته‌ی جالب این‌که سهم دانشجویان زنی که نزد اقوام خود زندگی کرده‌اند، در مقایسه با مردان بیش‌تر بوده و برعکس سهم دانشجویان پسر اجاره‌کننده‌ی منزل در شهر، بیش از زنان است. این پارامترها به خوبی بیانگر وضعیت فرهنگی جامعه روستایی ناحیه‌ی مورد مطالعه است. بنابراین با توجه به وجود چنین پدیده‌هایی، توجه به مقوله‌ی باورها و سنن جامعه‌ی روستایی (عوامل فرهنگی-اجتماعی) نیز در تحلیل‌های مکانی - فضایی حایز اهمیت فراوانی است.

جدول ۵- بررسی وضعیت شیوه دسترسی دانشجویان روستایی به محل تحصیل

جمع		زن		مرد		شیوه دسترسی
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۸۰	۱۶۴	۳۵/۶	۷۳	۴۴/۴	۹۱	تردد روزانه
۱۰/۳	۲۱	۳/۵	۷	۶/۸	۱۴	اجاره‌ی منزل در شهر
۲/۹	۶	۲/۴	۵	۰/۵	۱	سکونت نزد اقوام
۶/۸	۱۴	۱/۵	۳	۵/۳	۱۱	سایر
۱۰۰	۲۰۵	۴۳	۸۸	۵۷	۱۱۷	جمع

(مأخذ: مطالعات میدانی، ۱۳۹۱)

ب) بررسی شیوه جابه‌جایی دانشجویان

با توجه به این که حدود هشتاد درصد جامعه‌ی آماری به‌صورت روزانه بین روستای محل تحصیل خود به دانشگاه تردد می‌نمایند، آگاهی از مکانیسم جابه‌جایی آن‌ها نیز بسیار مهم است؛ زیرا برخی از آن‌ها وسیله‌ی نقلیه‌ی شخصی دارند و برخی نیز از وسایل نقلیه‌ی عمومی استفاده می‌کنند. یافته‌های تحقیق نشان داد که ۹۳/۲ درصد دانشجویان از وسیله‌ی نقلیه‌ی عمومی و ۶/۸ درصد آن‌ها از وسایل نقلیه‌ی شخصی برای تردد به محل تحصیل استفاده می‌کرده‌اند. این شاخص‌ها خود گویای توانایی اقتصادی خانوارهای دانشجویان است که در قیاس با خانوارهای شهری نسبت به خرید وسایل نقلیه، توانایی کم‌تری دارند.

جدول ۶- مقایسه مکانیسم جابه‌جایی دانشجویان در هنگام تحصیل به تفکیک جنس و نوع وسیله‌ی نقلیه

جمع		زن		مرد		نوع وسیله	
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد		
۵۲/۲	۱۰۷	۳۳/۳	۲۹	۶۶/۱	۷۸	مینی‌بوس	عمومی
۴۱	۸۴	۶۲/۱	۵۴	۲۵/۴	۳۰	تاکسی	
۹۳/۲	۱۹۱	۹۵/۴	۸۳	۹۱/۵	۱۰۸	جمع	
۲	۴	-	-	۳/۵	۴	موتورسیکلت	شخصی
۳/۴	۷	۴/۶	۴	۲/۵	۳	سواری	
۱/۴	۳	-	-	۲/۵	۳	وانت	
۶/۸	۱۴	۴/۶	۴	۸/۵	۱۰	جمع	
۱۰۰	۲۰۵	۱۰۰	۸۷	۱۰۰	۱۱۸	جمع کل	

(مأخذ: مطالعات میدانی، ۱۳۹۱)

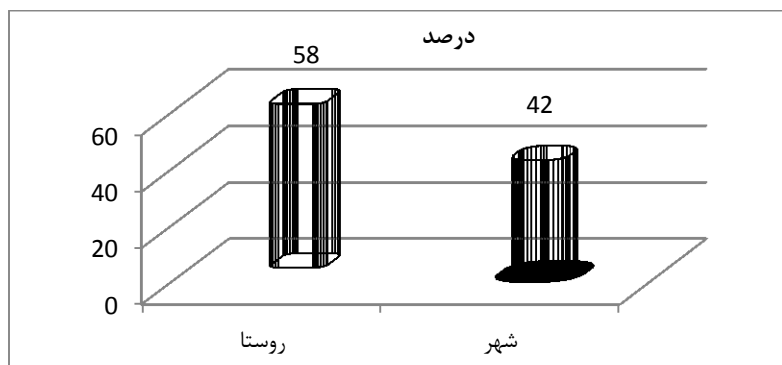
بررسی نحوه‌ی تردد دانشجویان بدون وسیله نقلیه، گویای آن است که کلاً استفاده از مینی‌بوس در مقایسه با تاکسی به سبب پایین بودن نرخ کرایه بیش‌تر بوده است. این دانشجویان غالباً در روستاهای دوردست‌تری نسبت به محل تحصیل زندگی می‌کنند. هرچند در سال‌های اخیر به‌دلیل گسترش آژانس‌های تاکسی‌تلفنی، استفاده از آن در روستاها نیز رواج یافته است، به طوری که حدود نیمی از دانشجویان از آن بهره می‌گیرند. اما مقایسه دانشجویان مرد با زن نشان می‌دهد که زنان برخلاف مردان بیش‌تر از تاکسی برای رفت‌وآمد استفاده می‌کرده‌اند. مقایسه سهم دانشجویان مرد و زن استفاده‌کننده از وسایل نقلیه‌ی شخصی، حاکی از سهم بالای دانشجویان پسر است. شاید یکی از دلایل این امر توانایی رانندگی مردان (به‌ویژه با موتورسیکلت) و نیز حساسیت بیش‌تر خانواده‌ها نسبت به کنترل دختران خود باشد. نکته‌ی در خور توجه این‌که سهم دانشجویان پسر دارای وسیله‌ی نقلیه (سواری، موتور، وانت) در مقایسه با زنان بیش‌تر و حدود ۲/۵ برابر است.

بررسی و تحلیل مکانیسم مهاجرت در میان فارغ‌التحصیلان روستایی

یکی از پیامدهای تحصیل روستاییان در سطوح عالی، مهاجرت به کانون‌های شهری است. این پدیده می‌تواند دلایل مختلفی داشته باشد. نبود مشاغل متناسب با تخصص کسب‌شده، آشنایی با امکانات و سطح رفاه شهری و تمایل به دستیابی به آن، ازدواج با ساکنان شهری، آینده‌نگری برای ادامه تحصیل فرزندان و... از جمله مواردی است که انگیزه‌های مهاجرت به شهر را افزایش می‌دهد. بر عکس گاهی نوع شغل، گرانی هزینه‌ی زندگی به‌ویژه مسکن در شهر و وابستگی‌های خانوادگی، مانع از چنین جابه‌جایی‌هایی می‌شود. از این‌رو در این قسمت ابعاد مختلف مهاجرت فارغ‌التحصیلان دانشگاهی به شهر و پیامدهای آن ارزیابی قرار می‌شود.

بررسی ابعاد کمی مهاجرت

ارتقای سطح تحصیلی روستاییان به‌ویژه تحصیل در سطوح عالی منجر به افزایش سطح توقعات و انتظارات و در نتیجه مهاجرت به شهر است. نتایج یافته‌ها گویای آن است که از کل جامعه‌ی نمونه، ۴۲ درصد پس از فارغ‌التحصیلی، روستای محل زندگی خود را به مقصد شهر ترک کرده‌اند (شکل ۵). هر چند معمولاً سهم مهاجرتی مردان بیش از زنان است، در جامعه مورد مطالعه نه تنها این‌گونه نیست، بلکه سهم زنان مهاجر بیش‌تر از مردان مهاجر است.



شکل ۵- مقایسه محل سکونت پس از فارغ التحصیلی بر حسب جنسیت

(مأخذ: مطالعات میدانی، ۱۳۹۱)

اما این که هنوز حدود دو سوم جامعه‌ی مورد نظر (۵۸ درصد) در روستا زندگی می‌کنند، ممکن است با فرایند کلی پدیده مهاجرتی در سطح ملی تناقض داشته باشد. هرچند ممکن است بخشی از این افراد کسانی باشند که هنوز به دلایل مختلفی موفق به کاریابی و اشتغال نشده و کماکان در روستاها باقی مانده باشند، بخش عمده آن‌ها به دلیل نزدیکی روستای محل تولدشان به شهر ترجیح داده‌اند در روستا زندگی کنند. آمارهای مندرج در جدول بعدی به خوبی گویای این مدعاست. زیرا از مجموع ۱۱۹ نفر فارغ‌التحصیل ساکن روستا، ۵۶ نفر (۴۷ درصد) در شهر شاغل بوده و روزانه بین روستا و شهر تردد می‌کنند. بنابراین با در نظر گرفتن تعداد مهاجرین ثابت، در مجموع سهم کسانی که از وابستگی‌شان به روستا کاسته شده و به نوعی با زندگی شهری گره خورده است، به ۸۵/۴ درصد می‌رسد. گرانی زمین و مسکن در شهر و دسترسی آسان به وسایل نقلیه و ارزان بودن هزینه‌ی سفر (به‌ویژه در روستاهای حاشیه‌ی شهرها)، دو عامل اصلی وقوع چنین مکانیسمی از جابه‌جایی فضایی جامعه مورد نظر است. البته ناگفته نماند که ممکن است با توجه به غیرحضور بودن سیستم تحصیل در دانشگاه پیام نور، زمینه‌ی وابستگی و علاقه شدید دانشجویان به خانواده‌هایشان را نسبت به سایر دانشگاه‌ها فراهم ساخته و مانع از انگیزه‌های مهاجرتی آن‌ها شده باشد. بدین ترتیب مشخص می‌شود که تنها حدود ۱۵ درصد از جامعه‌ی مورد نظر پس از فارغ‌التحصیلی کاملاً در روستا باقی مانده و ارتقای تحصیلی آن‌ها تأثیری در تغییر محل سکونت/کار نداشته است.

جدول ۷ - شیوه تردد شاغلین در شهر به روستا برحسب جنس

شیوه رفت و آمد	مرد		زن		جمع	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
تردد روزانه	۴۱	۸۰/۴	۱۵	۸۸/۲	۵۶	۴۷
تردد هفتگی	۵	۹/۸	۲	۱۱/۸	۷	۵/۹
تردد ماهانه	۵	۹/۸	-	-	۵	۴/۲
جمع	۵۱	۱۰۰	۱۷	۱۰۰	۶۸	۵۷/۱

(مأخذ: مطالعات میدانی، ۱۳۹۱)

بررسی علل مهاجرت به شهر

نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که کلاً اشتغال با ۵۰/۷ درصد به‌عنوان مهم‌ترین عامل در مهاجرت از روستا به شهر تأثیر داشته و پس از آن ازدواج یا شغل همسر با ۳۰/۴ درصد در رتبه دوم قرار دارد. بررسی تفصیلی‌تر علل مهاجرت بر اساس جنسیت نشان می‌دهد که در میان مردان، عامل اشتغال با ۴۴/۹ درصد بیش‌ترین سهم و در میان زنان، ازدواج و تبعیت از شغل همسر با ۲۹ درصد، بیش‌ترین عوامل دخیل در مهاجرت از روستا به شهر است. از دیگر مؤلفه‌های مؤثر در مهاجرت می‌توان به ترتیب به ادامه تحصیل اعضای خانواده در سطوح بالاتر، تداوم شغل پدر، دسترسی به امکانات رفاهی شهر و آموزش خیاطی و داشتن خانه‌ی دوم در شهر اشاره کرد.

جدول ۸ - مقایسه علت مهاجرت به شهر

علل مهاجرت	مرد		زن		جمع	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
اشتغال	۳۱	۴۴/۹	۴	۵/۸	۳۵	۵۰/۷
ازدواج / شغل همسر	۱	۱/۴	۲۰	۲۹	۲۱	۳۰/۴
ادامه تحصیل	۴	۵/۸	۲	۲/۹	۶	۸/۷
سایر ^۱	۵	۷/۳	۲	۲/۹	۷	۱۰/۲
جمع	۴۱	۵۹/۴	۲۸	۴۰/۶	۶۹	۱۰۰

(مأخذ: مطالعات میدانی، ۱۳۹۱)

۱- گزینه‌ی «سایر»، شامل عواملی از جمله امکانات شهر، شغل پدر، خانه‌ی دوم، آموزش خیاطی و... است.

طبیعتاً مهاجرت افراد تحصیل کرده به شهر در مقایسه با گروه‌های دیگر روستایی نه تنها منفی تلقی نمی‌شود، بلکه در درازمدت نتایج مثبتی نیز به دنبال دارد. زیرا این‌گونه افراد به خاطر داشتن تخصص در زمینه‌ای خاص معمولاً در مشاغلی به کار می‌پردازند که درآمد خوبی دارند و کم‌تر در مشاغل کاذب جذب می‌شوند. بنابراین با رفت‌وآمدهایی که به زادگاه خویش دارند، موجب برگشت سرمایه‌هایی به صورت نقدی و غیر نقدی به روستا می‌شوند. از جمله‌ی آن‌ها می‌توان به کمک به پدر و مادر، سرمایه‌گذاری در کارهای کشاورزی، صنعت و ایجاد مشاغل جدید و ساخت‌وساز منازل مسکونی (خانه‌های دوم) اشاره کرد.

بررسی وضعیت سکونت مهاجرین در شهر

همان‌گونه که در نمودار ۲ آورده شد، ۴۲ درصد افراد پس از فارغ‌التحصیلی مهاجرت کرده و در شهر سکنی گزیده‌اند. چون داشتن خانه‌ی مسکونی یکی از عوامل اصلی ثبات مهاجرتی جامعه‌ی مورد نظر است، در این قسمت به بررسی وضعیت سکونت این دسته از فارغ‌التحصیلان مهاجر به شهر پرداخته شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که حدود ۴۶/۶ درصد آن‌ها صاحب خانه‌ی ملکی در شهر شده و بقیه به صورت‌های مختلف (رهن و اجاره، خانه‌های سازمانی و...) زندگی می‌کنند. هرچند ممکن است بخشی از گروهی که خانه‌ی ملکی ندارند، در آینده بتوانند با دستیابی به خانه، وضعیت مهاجرتی خود را تثبیت کنند، شواهد و قراین نشان می‌دهد که برخی از آن‌ها ممکن است مجدداً به روستاهای محل تولد خود بازگردند. این پدیده به‌ویژه در میان کسانی که والدین آن‌ها از دنیا می‌روند، بر اثر انحصار وراثت، پتانسیل بازگشتی بالایی دارند.

جدول ۹- وضعیت سکونت در شهر برحسب جنسیت

جمع کل		زن		مرد		نوع سکونت در شهر
تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
۴۶/۶	۴۱	۱۹/۳	۱۷	۲۷/۳	۲۴	خانه شخصی
۳۵/۲	۳۱	۱۱/۳	۱۰	۲۳/۹	۲۱	رهن و اجاره
۹/۱	۸	۶/۸	۶	۲/۳	۲	سکونت نزد اقوام
۹/۱	۸	۵/۷	۵	۳/۴	۳	خانه‌های سازمانی یا کارفرما
۱۰۰	۸۸	۴۳/۱	۳۸	۵۶/۹	۵۰	جمع

(مأخذ: مطالعات میدانی، ۱۳۹۱)

بررسی میزان دل‌بستگی به روستا

به جز شناسایی دلایل مهاجرت به شهر، شناخت درجه دل‌بستگی و ماندگاری فارغ‌التحصیلان در میان کسانی که در روستا بزرگ شده‌اند و از سوی دیگر میزان تمایل بازگشت به روستا در میان گروهی که مهاجرت کرده‌اند، اهمیت زیادی دارد. معمولاً جوانان در مقایسه با دیگر گروه‌های سنی، علاقه کمتری به زندگی در محیط روستا دارند، به‌ویژه با ورود به دانشگاه و افزایش آگاهی عمومی و در نتیجه بالا رفتن سطح توقعات، این وضعیت تشدید می‌شود. اما نتایج بررسی‌ها در ناحیه مورد مطالعه خلاف آن را نشان می‌دهد؛ به طوری که ۸۳ درصد مردان در ارتباط با سؤال «میزان علاقه مبنی بر سکونت در روستا در صورت وجود شغلی متناسب با رشته‌ی دانشگاهی‌شان»، گزینه متوسط به بالا را قید نموده‌اند. این وضعیت در میان زنان با اندکی تفاوت برابر با ۸۴ درصد اظهار شده است.

همچنین در سؤالی دیگر که نظر دو گروه را درباره‌ی «میزان علاقه‌مندی به بازگشت به روستا در صورت ارائه همان شغل در محل سکونت‌شان» خواسته است، پاسخ‌ها تا حدودی با پاسخ قبلی مشابه است؛ چرا که این شاخص در میان زنانی که گزینه‌ی متوسط به بالا را انتخاب کرده‌اند، ۸۶ درصد و در میان مردانی که این گزینه را انتخاب کرده‌اند، ۸۱/۲ درصد شده است. آزمون مان‌وایتنی نتایج دو شاخص مورد سنجش یادشده را تأیید می‌کند، به طوری که میانگین رتبه در دو شاخص (علاقه به ماندگاری در روستا و بازگشت به زادگاه) بین دو گروه (مردان و زنان) چندان تفاوتی ندارد.

بنابراین می‌توان این‌گونه تبیین کرد که در میان افراد تحصیل‌کرده دل‌بستگی زیادی به ماندگاری در روستا وجود دارد اما عموماً نبود شغل به‌ویژه شغل متناسب با رشته‌ی تحصیلی، مهم‌ترین عامل مؤثر در مهاجرت به شهر بوده است. بنابراین با وجود چنین پدیده‌ای می‌توان با تصمیم‌گیری صحیح و اندیشیده درباره‌ی انتخاب نوع رشته تحصیلی متناسب با نیاز روستاییان تا حدودی از مهاجرت افراد تحصیل‌کرده روستایی جلوگیری کرد.

جدول ۱۰- آزمون مقایسه میزان علاقه‌مندی به ماندگاری و بازگشت به روستا (با استفاده از آزمون مان-وایتنی)

متغیر	شاخص‌ها		حجم نمونه (N)	میانگین رتبه	مان-وایتنی	معناداری
	مردان	زنان				
میزان علاقه‌مندی به ماندگاری در روستا	مردان	۱۱۷	۱۰۵,۸۵	۴۸۱۴,۵۰۰	ns .۳۹۲	
	زنان	۸۸	۹۹,۲۱			
میزان تمایل به بازگشت به روستا	مردان	۱۱۷	۱۰۲,۶۶	۴۹۵۴,۰۰۰	ns .۸۴۵	
	زنان	۸۶	۱۰۱,۱۰			

(مأخذ: مطالعات میدانی، ۱۳۹۱؛ ns: عدم معناداری)

نتیجه‌گیری

هرچند در گذشته یکی از مسایل جامعه روستایی، پایین بودن سطح سواد بود، خوشبختانه از چند دهه‌ی قبل دولتمردان به این مسأله توجه کرده‌اند و با تأسیس مراکز آموزش عالی به‌ویژه واحدهای دانشگاه پیام نور توانسته‌اند خلأ موجود را پر کنند. با وجود این چالش دیگری که پیش روی عرصه‌های روستایی کشورمان قرار دارد، مهاجرت نخبگان روستایی است. این مقاله با هدف تحلیل مکانی- فضایی پیامدهای تحصیل در دانشگاه پیام نور در شرق استان گلستان انجام گرفت. نتایج تحقیق نشان داد که:

- ۶۱/۴ درصد فارغ‌التحصیلان عنوان کرده‌اند که صرفاً به‌دلیل مجاز بودن به انتخاب رشته آزمون سراسری دانشگاه پیام نور، آن را انتخاب کرده‌اند. به عبارت دیگر این گروه شرایط قبولی در دانشگاه‌های دولتی را احراز نکرده بودند. عمده‌ترین دلایل این امر از سوی جامعه‌ی مورد مطالعه، مشارکت در کارهای کشاورزی در حین تحصیل و عدم توانایی در استفاده از کلاس‌های تقویتی آموزشی قید شده است.

- میان انتخاب محل تحصیل با فاصله‌ی محل سکونت و شدت جریان جابه‌جایی دانشجویان در حین تحصیل، همبستگی مستقیمی وجود دارد. برای مثال هرچند ۳۵/۶ درصد آنان در فاصله‌ی کم‌تر از ۲۰ کیلومتری محل تحصیل سکونت داشتند، این نسبت در فواصل طبقاتی بعدی روند نزولی داشته و در فاصله‌ی ۱۰۰-۱۲۰ کیلومتری به کم‌تر از ۵/۴ درصد می‌رسد.
- این بررسی نشان داد که میان نوع رشته‌ی تحصیلی و علایق دانشجویان، همبستگی معناداری وجود ندارد و دانشجویان صرفاً به دلیل دایر بودن برخی رشته‌ها ناگزیر به انتخاب آن شده‌اند.
- بررسی و شیوه‌ی دسترسی دانشجویان در حین تحصیل نشان داد که ۸۰ درصد آن‌ها ساکن روستا بوده، روزانه فاصله‌ی میان محل سکونت و تحصیل خود را طی می‌کردند. ۹۳/۲ درصد این گروه با استفاده از وسایل نقلیه‌ی عمومی و ۶/۸ درصد با وسیله‌ی نقلیه شخصی جابه‌جا شده‌اند.
- ۴۲ درصد جامعه‌ی مورد مطالعه پس از فارغ‌التحصیلی، روستای محل زندگی خود را ترک کرده، به شهر مهاجرت کرده‌اند. هرچند هنوز ۵۸ درصد آن‌ها ساکن روستا هستند، به دلیل نبودن شغل مناسب در روستا، نیمی از این گروه نیز در نقاط شهری اشتغال داشته، روزانه بین شهر و روستا تردد می‌کنند. بنابراین بیش از ۳۰ درصد جامعه‌ی نمونه، علل مهاجرت خود به شهر را در وهله اول نداشتن شغل و در مراتب بعدی ازدواج و یا ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر عنوان کرده‌اند. در حالی که بیش از ۸۳ درصد آن‌ها عنوان کرده‌اند که در صورت داشتن شغل مناسب به روستای خود باز می‌گردند.

همان‌گونه که پیش‌تر در پیشینه‌ی تحقیق گفته شد، تحقیقات قبلی با رویکرد تحلیل مکانی- فضایی پیام نور تهیه نشده است. بنابراین مقایسه نتایج این تحقیق با تحقیقات قبلی چندان میسر

نیست. با این حال برخی از نتایج این تحقیق در ویژگی‌های کلی با نتایج تحقیقات ضرغام (۱۳۷۹) و فراستخواه و همکاران (۱۳۸۳) تا حدودی همخوانی دارد.

پیشنهادها

با توجه به چالش‌های اساسی که پیش روی جامعه روستایی به‌ویژه فارغ‌التحصیلان دانشگاهی آن قرار دارد و نیز با عنایت به رسالت و وظایفی که مؤسسات آموزشی عالی به‌ویژه نظام آموزش از راه دور کشور دارد، پیشنهادهایی به شرح ذیل ارائه می‌شود:

- با توجه به امکان دسترسی به ارتباط مخابراتی در نقاط روستایی کشور، تجهیز و تقویت زیرساخت‌های سخت‌افزاری و ارتباط الکترونیکی به‌ویژه اینترنت پر سرعت در مراکز و واحدهای پیام نور ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.
- با توجه به تناسب نداشتن برخی رشته‌های موجود، تجدید نظر در برنامه‌های آموزشی و سامان‌دهی رشته‌ها متناسب با نیازهای جدید جامعه روستایی و مزیت‌های نسبی مناطق در واحدها و مراکز پیام نور ضرورت دارد. برای این کار اتخاذ رویکرد کاربردی در انتخاب رشته‌ها از جمله در حوزه‌های صنایع روستایی، توریسم روستایی، مشاغل خانگی، کشاورزی گل‌خانه‌ای، سیستم دامداری‌های بسته، آبی‌پروری و... پیشنهاد می‌شود.
- با توجه به ضعف اقتصادی خانوارهای روستایی به‌ویژه نواحی دورافتاده (مراکز و واحدهای مستقر در نواحی ۴ و ۵)، برنامه‌ریزی درباره‌ی کاهش شهریه‌های دانشجویان و تخصیص وام دانشجویی کم‌بهره برای ساکنان روستایی این نواحی ضرورت دارد.
- اتخاذ سیاست‌هایی مبنی بر اولویت جذب فارغ‌التحصیلان ساکن روستاها در نهادهای دولتی و بخش خصوصی واقع در حوزه‌های روستایی.
- اتخاذ سیاست‌های اعطای وام‌های خوداشتغالی زود بازده به فارغ‌التحصیلان روستایی برای جلوگیری از مهاجرت دایم به شهرها.
- گسترش زمینه‌های آموزش تقویتی در مقاطع پیش‌دانشگاهی و کنکور سراسری در نقاط روستایی.
- انعقاد قرارداد با سرویس‌های حمل‌ونقل بخش خصوصی، به‌ویژه در محورهای پرتردد دانشجویی منتهی به مراکز و واحدهای پیام نور.
- با توجه به دسترسی نداشتن روستاییان فقیر به رایانه (کامپیوتر شخصی)، تمهیداتی برای ایجاد سایت‌های رایانه‌ای با همکاری دفاتر ICT اندیشیده شود تا کاربران (دانشجویان) بتوانند بدون مراجعه به مرکز پیام نور از آموزش مجازی برخوردار شوند.

منابع

- ۱- جیمز، ای. ۱۳۸۱. تقسیم مسئولیت آموزش و پرورش بین بخش خصوصی و عمومی. ترجمه‌ی عبدالحسین نفیسی. پژوهشکده‌ی تعلیم و تربیت، جلد اول، تهران، انتشارات اقتصاد آموزش و پرورش.
- ۲- چیچر، تیزیس. ۱۳۸۱. آموزش و پژوهش: نقش‌ها و ابزار جدید. ترجمه‌ی رضا یوسفیان و مریم ابوالقاسمی. در: چالش‌های فراروی آموزش عالی در هزاره سوم، تهران، مؤسسه‌ی چاپ و انتشارات دانشگاه امام حسین.
- ۳- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی. ۱۳۸۵. مجموعه اسناد ملی توسعه در برنامه‌ی چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، اسناد توسعه‌بخشی- امور زیربنایی. جلد سوم، تهران، انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی.
- ۴- رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا و حمداله سجاسی قیداری. ۱۳۸۹. توسعه‌ی روستا با تأکید بر کارآفرینی. تهران، انتشارات سمت.
- ۵- طاهرخانی، مهدی. ۱۳۸۱. بازشناسی عوامل مهاجرت‌های روستایی- شهری با تأکید بر جوانان روستایی استان قزوین، مجله‌ی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، شماره ۲.
- ۶- ضرغام ۱۳۷۱. مجموعه مقالات اولین سمینار تخصصی آموزش از راه دور. تهران، انتشارات پیام نور.
- ۷- فراستخواه، مقصود. ۱۳۸۱. آموزش عالی و مسأله عدالت. تهران، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
- ۸- فراستخواه، مقصود. ۱۳۸۹. دانشگاه و آموزش عالی، منظرهای جهانی و مسأله‌های ایرانی. تهران، نشر نی.
- ۹- فراستخواه، مقصود. ۱۳۸۹. بررسی الگوی تعاملات آموزش عالی در دانشگاه با سایر نظام‌های تولید و خدمات، فصل‌نامه پژوهشی برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره‌ی ۵۷.
- ۱۰- فراستخواه، مقصود و همکاران. ۱۳۸۳. بررسی افزایش دسترسی به آموزش عالی، تهران، مؤسسه‌ی پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
- ۱۱- هیکس، ان، ال. ۱۳۸۰. آموزش و درآمد. ترجمه‌ی پریدخت وحیدی و عبدالخلیل نفیسی. پژوهشکده تعلیم و تربیت، جلد اول، تهران، انتشارات اقتصاد آموزش و پرورش.
- ۱۲- هارولد. ام. ویلیامز. ۱۳۸۱. اقتصاد آموزش عالی در ایالات متحده. ترجمه محسن وارثی. در: چالش‌های فراروی آموزش عالی در هزاره‌ی سوم، تهران، مؤسسه‌ی چاپ و انتشارات دانشگاه امام حسین.
13. Bosworth, G. 2006. Counter-urbanization and job Creation: Entrepreneurial in Migration and Rural Economic Development" Center for Rural Economy Discussion Paper Series, no.4. Newastde Upon Tyne: University of Newcastle Upon Tyne.
14. Brown, K. 2002. the Right to Learning Alternatives for a Learning Society. New York, Rutledge flamer
15. De Haun, A. 2008. Migration, Livlihoods and Rights, Social Development Working Paper". The Relevance of Migration in Development Policies.
16. Easterlin, Richard A. 1987. Population and Economic Chang in Developing Countries, University of Chicago Press, United States American.
17. Parnwell, 1993. Population Movements in the third world "London": Rutledge
18. Scott, P. 1995. the Meaning of Mass Higher Education. us.SRHE. Open University Press, Buckingham

19. Schuetze, H., and Slowey M. 2000. Higher Education and Lifelong Learners, International perspectives on Change. London & New York. Routledge
20. Venugopal, V., et al. 2002. Toward Virtualization open and Distance Learning New Delhi. Washington. EDUCAUSE
21. Wang, wenjie Winnie 2004. "Urban-rural return labor migration in china: a case study of Sichuan and Anhui provinces" Department of Geography UCLA.





پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی